

بررسی وضعیت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن با رویکرد اسلامی^۱

اکبر توحیدلو*

چکیده: هدف کلی پژوهش حاضر، دستیابی به زوایای مختلف وضعیت فرهنگی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه‌ی آماری کلیه‌ی دانشجویان، کارکنان و استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. تعداد افراد نمونه ۸۰۰ نفر به شیوه‌ی تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته‌ی نگرش‌سنجی دینی است که نمره‌گذاری آن به شیوه‌ی لیکرت است. میزان اعتبار پرسش‌نامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای اساتید ۰/۸۳ و برای دانشجویان ۰/۸۶ و برای کارکنان ۰/۸۸ به‌دست آمد. در این تحقیق متغیر وضعیت دینی و مذهبی، گرایش‌های سیاسی و وضعیت اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های وضعیت فرهنگی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به ماهیت و روش پژوهش، ابتدا داده‌ها مورد بازبینی و کنترل قرار گرفتند و سپس با نرم‌افزار آماری SPSS مورد سنجش قرار گرفتند. با توجه به نوع فرضیه‌ها، روش‌های آمار استنباطی رگرسیون ساده، t گروه‌های مستقل، و تحلیل واریانس یک‌سویه، مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج به‌دست آمده نشان داد استادان بیشترین مشارکت سیاسی، اجتماعی و دینی و در نتیجه بالاترین وضعیت فرهنگی را دارند. در مقایسه‌ی مشارکت مردان و زنان، مردها در مشارکت سیاسی و زن‌ها در مشارکت اجتماعی درصد بالاتر را به خود اختصاص داده‌اند، اما، مقایسه‌ی مجموع عامل‌ها نشانگر تفاوت معنادار نیست.

کلید واژه‌ها: استادان، دانشجویان، دانشگاه آزاد، کارکنان، گرایش سیاسی، وضعیت اجتماعی، وضعیت دینی، وضعیت فرهنگی

مقدمه

بیشتر صاحب‌نظران مسایل فرهنگی و اجتماعی جامعه ما معتقدند: بخشی از پیکره‌ی اجتماعی ما، به ویژه قشر جوان، مبتلا به آفت و آسیب‌پذیری فرهنگی است و اگر راهکار و چاره‌ای برای

۱- نتایج این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی است که با حمایت مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انجام شده است.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

حل این مشکل پیدا نشود، نه تنها فردا دیر است بلکه حل این معضل و غلبه بر آن برای نسل آینده بسی دشوارتر و بی‌گمان مستلزم هزینه‌هایی گزاف‌تر، با احتمال اثربخشی کمتر از آنچه الان متصور است، خواهد بود.

از این رو، مراکزی که با جوانان در تعامل هستند نقش سازنده‌ای را ایفا می‌نمایند؛ از میان این مراکز، دانشگاه آزاد اسلامی، امروز یکی از بزرگترین مراکز آموزش دانشگاهی و فرهنگی جامعه است. بر اساس آمار و نتایج به‌دست آمده، ارزش روزافزون خدمات و محصولات تولید شده توسط نیروی کارآمد این دانشگاه در طول سالیان، بسیار قابل توجه بوده و نیز در تربیت و آموزش، اشتغال‌زایی و انتقال فرهنگ به جوانان نقشی معادل با آموزش عالی دولتی داشته است (توسلی، ۱۳۸۰).

در واقع، دانشگاه آزاد اسلامی با ظرفیت‌سازی بالا توانسته است بسیاری از علاقمندان به کسب دانش و مشاغل مختلف را که با توجه به ظرفیت محدود دانشگاه‌های دولتی نتوانسته‌اند به تحصیلات دانشگاهی راه پیدا کنند، تحت پوشش و آموزش قرار دهد، که این مسأله در نهایت منجر به کاهش بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه فرهنگی شده است. همچنین، این دانشگاه به لحاظ استقلال، پشتوانه‌ی مالی و مشارکت مردمی و بهره‌گیری صحیح از فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود، توانسته است هدف‌های بزرگی را طرح و پی‌گیری کند که البته دستیابی به اهداف بزرگ و ساماندهی بیشتر در تمام زمینه‌ها نیازمند همیاری، همکاری و البته شناساندن صحیح این مرکز بزرگ علمی و فرهنگی است. فرهنگ یک فرآورده‌ی اجتماعی و مهم‌ترین وجه تمایز انسان با سایر موجودات زیستمند است. هیچ جامعه‌ی شناخته شده‌ای نیست که در آن شکلی از فرهنگ وجود نداشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۵۱۴)، و شناخت کامل فرهنگ هر جامعه بدون در نظر گرفتن دین رایج آن ناممکن است. جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست به‌ویژه آن‌که مهم‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی آن به نحوی با دین مرتبط بوده است. در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران برای نیل به شناخت و ارزیابی در این مورد هیچگاه نباید عامل دین را از نظر دور داشت (صفر دستگردی، ۱۳۷۷، ص ۳)، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در ایران نظامی شکل گرفت که در آن دین به‌عنوان یک فرا نهاد اجتماعی بر همه‌ی ساخت‌ها و نهادهای اجتماعی تسلط یافت.

قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشگاهیان به‌عنوان قشری آگاه و فهیم نقش سازنده و مؤثری برای اعتلای اسلام داشته‌اند. با توجه به اهمیت دین و نقش مؤثر دانشجویان در پویا نگه داشتن دین اسلام، امروز در جامعه پرسش‌هایی درخصوص سست‌شدن باورها و اعتقادهای دینی دانشجویان و دین‌گریزی ایشان مطرح بوده و نگرش آنها را نسبت به اعتقادات، مناسک،

شعایر و نهادهای دینی کمرنگ ارزیابی می‌کنند. بنابراین، با توجه به نقش و کارکرد دانشجویان در نظام اجتماعی ایران، نیاز بود به صورت علمی دینداری و جهت‌گیری دینی ایشان مورد مطالعه قرار گیرد و ارزیابی صحیحی ارائه شود. دین‌پژوهی حاضر تحت عنوان بررسی نگرش دینی دانشجویان در راستای بررسی وضعیت فوق و در قالب پنج فصل صورت گرفته است.

طرح مسأله

در جهان امروز، سرمایه‌گذاری برای آموزش عالی یک عامل کلیدی محسوب می‌گردد که در فرآیند توسعه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند. نظام آموزشی هر کشور یکی از عوامل مؤثر در تحقق توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود (آزما، ۱۳۸۳). آموزش عالی زمانی می‌تواند به نوآوری و بالا بردن کیفیت در جامعه منتهی شود که علاوه بر کمیت بعد کیفیت نیز مورد توجه قرار گیرد. اما، چنانچه بعد کمیت با کیفیت توأم نباشد، نه تنها به اهداف مورد نظر نخواهیم رسید، بلکه با نظام آموزشی مطلوب فاصله خواهیم گرفت. از این رو انتقال ارزش‌ها، باورها و به‌طور کلی انتقال فرهنگ یک جامعه باید توسط آموزش صحیح انجام پذیرد. در این راستا، دین از عوامل مهمی است که بخشی از ارزش‌های اجتماعی را ایجاد می‌نماید؛ نظام ارزشی ایجاد شده توسط دین رفتارهای فردی را جهت می‌دهد و آن‌ها را هدایت می‌کند و حتی علت رفتار و طرز فکر افراد را برای ما روشن می‌کند. بنابراین، یکی از زمینه‌های مورد مطالعه در جامعه‌شناسی دین بررسی تاثیر و تأثر سلوک و رفتار دینی در ارتباط با رفتارهای دیگر انسانی است (نرمن فادر^۱، ۱۹۴۵؛ و بنگلوره^۲، ۱۹۴۹). در حالی که بسیاری از نظریه‌پردازان همچون مارکس^۳، تایلر^۴، فریزر^۵ و فروید^۶ همگی پیش‌بینی کرده بودند با مسلط شدن علم بر شیوه‌ی تفکر جامعه‌ی معاصر، دین و ارزش‌های کهن اجتماعی ناپدید خواهند شد و نظریه‌پردازان دیگری که به صورت کارکردی‌تر دین را در نظر می‌گرفتند پیش‌بینی کرده بودند دین به صورت‌های معمول و سنتی ناپدید خواهد شد و جایش را عقیده‌ای خواهد گرفت که بر مبنای فراطبیعی و متعالی استوار نیست (اسمیت و روبرتو^۷، ۱۹۵۶؛ دیوایس^۸، ۱۹۹۴؛ میرز اسکات^۹، ۱۹۹۶ و کلی^{۱۰}، ۱۹۹۷). در جهان اسلام با

1- Norman father

3- Marks karl

5- Fereyzer

7- Smith & Robertw

8- Myers Scott

2- Bangalore

4- Taylor

6- Freud sigmund

8- Divise

9- Kelly

ظهور و توسعه اندیشه‌های دینی، در عرصه‌ی سیاست و اجتماع جنبش‌ها و حرکات جدیدی شکل گرفت یکی از جنبش‌های عظیمی که در قرن بیستم نظر جهانیان را به خود جلب کرد وقوع انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ بود (توسلی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

در بین جامعه‌شناسان کلاسیک شاید تنها ماکس وبر^۱ بود که توانست حدس بزند در یک نظام سنتی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا شود و پایه‌ی تحولات مهم سیاسی در اواخر قرن بیستم شود. با این همه، این دقیقاً آن چیزی است که در دهه‌ی ۱۹۸۰ در ایران رخ داد (گیدنز، ۱۳۷۶، ص ۵۰۵).

فرهنگ صرف‌نظر از منشأ آن در حیات جمعی انسان‌ها تجلی می‌یابد و با آن رابطه‌ی متقابل دارد؛ از این‌رو، شناخت کامل هر جامعه بدون در نظر گرفتن فرهنگ آن ناممکن است. جامعه‌ی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست، به‌ویژه آن‌که جامعه‌ای دینی است و مهم‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی آن به نحوی با دین مرتبط بوده است. در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران برای نیل به شناخت و ارزیابی مسایل در این مورد هیچ‌گاه نباید عامل دین را از نظر دور داشت. انقلاب اسلامی ایران که با اهداف دینی در پایان عصر ایدئولوژی ظهور یافت رابطه‌ی دین و دنیا و به‌طور خاص رابطه‌ی دین و سیاست را از نو و از منظری متفاوت در اذهان مطرح کرد (صفار دستگردی، ۱۳۷۷، ص ۳) و نظامی را شکل داد که در آن دین به‌عنوان یک فرا نهاد اجتماعی در عرض سایر نهادها قرار نگرفت، بلکه بر همه‌ی ساخت‌های اجتماعی و دیگر نهادها تسلط یافت و سمت و سوی آن‌ها را مشخص نمود.

در قبل و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، دانشگاهیان به‌عنوان قشر آگاه متفکر و خردمند جامعه نقش سازنده و مؤثری برای اعتلای اسلام داشته‌اند و دانشگاه‌ها پایگاه اندیشه و محیط پرورش حرکت‌های فکری و نظری اسلامی بوده‌اند و نقش و کارکرد ایشان در فرهنگ‌سازی، هنجارسازی و جامعه‌سازی منحصر به فرد بوده است.

با توجه به اهمیت فرهنگ و نقش مؤثر دانشگاه‌ها در پویا نگه داشتن فرهنگ اسلامی در ایران امروز، در سطح جامعه، پرسش‌ها و شبهاتی در خصوص دین‌گریزی و سست‌شدن باورهای دینی قشر دانشجوی، دانشگاهیان و تحصیل‌کردگان مطرح و عنوان می‌شود؛ نگرش دانشجویان نسبت به اعتقادات دینی و نهادهای مذهبی از استحکام و ثبات عمیقی برخوردار نیست و زمینه‌های متعددی برای پذیرش الگوهای جدید دینی و رفتاری در بین آنها وجود دارد.

این نگرش و باورداشت هم با تعالیم و آموزه‌های دین اسلام که به عقلانیت و معنویت با هم توجه دارد و هم برای علم و عالم جایگاه و منزلت رفیعی قایل است در تضاد است و از سوی

1- max weber

دیگر با فلسفه‌ی شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران که خواهان حضور دین در تمام عرصه‌های حیات بشری است، منافات دارد.

بنابراین، دانشگاه و دانشجویان کانون فکری جامعه‌ی ایران به حساب می‌آیند و آینده‌ی کشور توسط این قشر رقم می‌خورد. آشنایی با عمق باور داشت‌ها، اعتقادات، میزان دینداری و جهت‌گیری ایشان حایز اهمیت می‌باشد و لازم است به‌صورت علمی مورد مطالعه قرار گیرد و ارزیابی صحیحی در این خصوص حاصل گردد و در نهایت مشخص شود آیا احساس تعلق دینی در دانشجویان سیر نزولی دارد؟ و فراگرد عرفی‌شدن اعتقادات دینی دانشجویان را تضعیف و غیرمذهبی به بار می‌آورد؟ و یا باورداشت‌های دینی در ایشان قوی و از استحکام عمیقی برخوردار است؟

آیا دانشجویان بدون آنکه اعتقادات مذهبی خود را انکار کنند، اعمال و مناسک دینی را به‌صورت کمرنگی اجرا می‌کنند؟ یا این‌که برخی شیوه‌های رفتاری مغایر با ارزش‌ها و موازین اجتماعی و مذهبی ابراز شده از طرف ایشان تصویر گمراه‌کننده‌ای از گرایش دینی‌شان را نشان می‌دهد؟ آیا هرچه سطح تحصیلات دانشگاهیان بالاتر رود، نگرش منفی‌تری نسبت به اعتقادات دینی دارند؟ یا این‌که عموماً در هر سطحی از تحصیل که قرار دارند اعتقادات دینی محکمی دارند؟ آیا دانشگاهیان نواندیش به‌دنبال تعامل عقلانی و نقاد با سنت و آموزه‌های دینی‌اند و به‌عنوان نو اندیش دینی برای سنت‌ها ماهیت هویت‌ساز قایل هستند و هویت خود را در نسبت به سنت‌ها و اصالت دینی معنی می‌کنند (حسینی قائم‌مقامی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰).

از آنچه گفته شد روشن می‌گردد که آسیب‌پذیری فرهنگی و تقلید و تبعیت فکری و عملی گروهی از ایرانیان از الگوهای خارجی، پدیده‌ای اجتماعی و در عین حال تاریخی است که ریشه‌های جامعه‌شناختی خاص خود را دارد. بنابراین، درمان این معضل پیچیده‌ی اجتماعی، ابزارهای خاص خود و فطرت زمانی در خور خویش را طلب می‌کند. لازم است شاخص‌های اسلامی و ایرانی زیستن را منقح کرده و ارایه نماییم تا در دامان غفلت نیفتیم و اسیر جوسازی، شایعه‌پردازی و سرانجام جنگ روانی غرب نشویم. در این راستا پرسش اصلی پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح نمود که دانشگاهیان با توجه به شرایط کنونی جامعه نسبت به ارزش‌های فرهنگی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فردی چه نگرش و انتظاری دارند؟ و آیا نگرش آنان نسبت به دین و دینداری و مسایل سیاسی و اجتماعی به عواملی (متغیرهای مستقل) مانند جنس، طبقه اجتماعی، خانواده، منشأ شهری و روستایی، نیازهای فردی و ... وابسته است؟

مبانی نظری

در مباحث نظری، آراء و نظریه‌های تعدادی از متفکران و جامعه‌شناسان کلاسیک و نسل‌های بعد از آنها که با موضوع پژوهش سنخیت بیشتر داشت، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و تلاش شده است از افکار متخصصان و اندیشمندان استفاده شود که پژوهش‌ها و اندیشه‌هایشان هم الهام بخش در کار پژوهشی است و هم در آشکارسازی ابعاد گوناگون مسأله‌ی پژوهش، گزینش چارچوب نظری، ساختن چارچوب تحلیلی و تبیین ابعاد و شاخص‌ها پژوهشگر را یاری کنند (کیوی، کامپنهود، برگرفته از نیک گهر، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵-۱۰۱).

همچنین از آنجایی که نظریه‌ی ارایه شده توسط هر اندیشمند به یک دوره‌ی زمانی و مکانی خاص تعلق دارد و متناسب با اقتضات و واقعیات حاکم بر جامعه‌ی معینی مطرح شده است، در استفاده از آن برای چارچوب نظری در جوامع دیگر احتیاط بیشتری لازم دارد. در جامعه‌ی ایران به دلیل داشتن فرهنگ و شرایط خاص خود و ناهمگونی در عناصر تشکیل دهنده‌ی نظام اجتماعی آن (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۵۷)، برای ساختن چارچوب نظری می‌بایست از نظریه یا نظریه‌هایی کمک گرفته شود که با مسأله‌ی پژوهش سنخیت دارند و یا اینکه چارچوب نظری جدیدی ارایه شود.

برابر مطالعه و بررسی‌های انجام شده در سنجش دینداری، از بین نظریه‌های ارایه شده، مدل چند بعدی گلدک و استارک چارچوب نظری مناسبی برای سنجش اولین پرسش مسأله‌ی پژوهش یعنی دینداری دانشجویان است. این مدل نسبت به سایر مدل‌های ارایه شده که یک یا چند بعد از ابعاد دینداری را مورد توجه قرار داده‌اند از اعتبار، جامعیت و سنخیت بیشتری در جامعه‌ی ایران برخوردار است. بیشتر دین پژوهان کشورمان به‌طور کامل یا بخشی از مدل مذکور را برای سنجش دینداری به‌کار برده‌اند.

علامه محمد تقی جعفری در وصف اعتبار این مدل گفته است: «به نظر می‌رسد که این تقسیم‌بندی درباره‌ی جنبه‌های مختلف دین‌گرایی یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی است که در این زمینه انجام شده است و لذا توجه به آن برای محققان ضرورت درجه‌ی اول دارد. بدون این تقسیم‌بندی، جامعه‌شناسی دین قطعاً ناقص خواهد بود» (ویلیم، گواهی، ۱۳۷۷، ص ۱۳۸۱).

در این پژوهش برای سنجش دینداری چهار بعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پی‌آمدی مدل گلدک و استارک به‌عنوان چارچوب نظری و مدل تحلیلی انتخاب شده است. از آنجایی که تعاریف عملیاتی هر کدام از ابعاد دینداری مطرح شده در مدل گلاک و استارک ممکن است در ادیان مختلف بسیار متفاوت باشد، در این پژوهش تلاش شده تعریف‌های عملیاتی متناسب با دین اسلام برای هر کدام از ابعاد دینداری انتخاب شود:

الف- برای بعد اعتقادی مجموعه‌ای از باورهای اسلامی که اصول دین نامیده می‌شوند را می‌توان به‌عنوان بعد اعتقادی در نظر گرفت، چرا که از همه‌ی مسلمانان انتظار می‌رود بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. این باورها عبارتند از: اعتقاد به خداوند، نبوت حضرت محمد (ص) به‌عنوان آخرین پیامبر خدا، معجزه‌اش قرآن و اعتقاد به معاد.

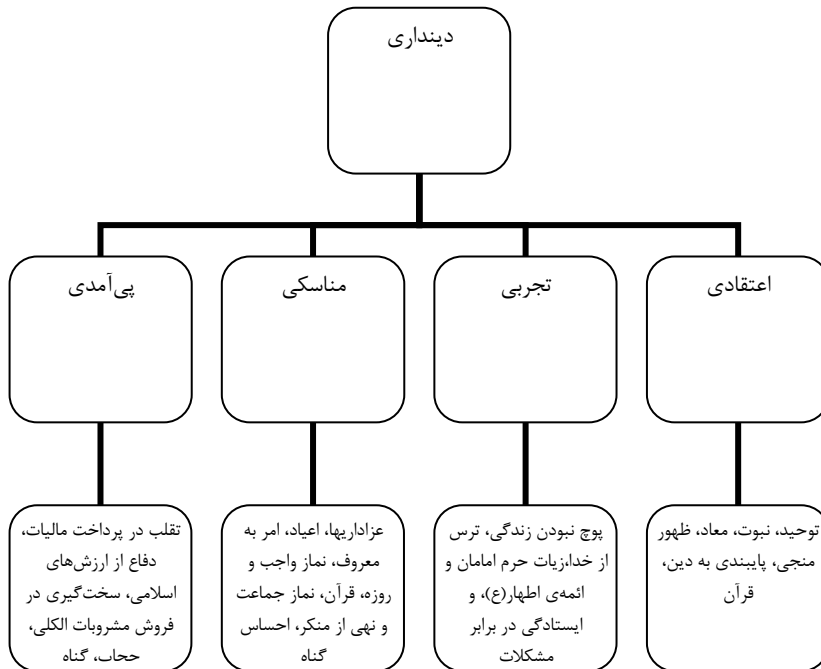
ب- در ارتباط با بعد تجربی یا عواطف دینی در اسلام همچون دو دین توحیدی دیگر، مسیحیت و یهودیت، انتظار می‌رود که معتقدان عواطف و احساساتی مثل ترس از خدا، توبه، تقرب به خدا، پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و اولیا را تجربه کنند. میزان و عمق این تجارب را می‌توان برای سنجش بعد عاطفی دینداری به‌کار برد.

ج- در بعد مناسکی یا اعمال دینی می‌توان نمازهای روزانه، روزه گرفتن، ادای خمس و زکات که در دین اسلام مورد توجه اکید است (به‌همراه شرکت در مناسبت‌های مذهبی، خواندن قرآن و ...) را مورد استفاده قرار داد.

د- در بعد پی‌آمدی یا آثار دینی بر طبق دین اسلام، معیارهای رفتاری فراوان است که یک مسلمان باید در زندگی روزمره به‌طور جد آنها را رعایت کند. بعضی از آنها عبارتند از حجاب یا پوشیدن بخش‌هایی از بدن، بخصوص برای زنان، پرهیز از مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خاص مثل الکل و گوشت خوک، زیر بار حکومت غیر مسلمان نرفتن و پیروی از قوانین اسلام در زندگی روزمره (قانون‌گرایی، نفع‌رسانی به دیگران و ...)، نگرش مسلمانان در مورد این فرامین را می‌توان نشانه‌ای از اثر دینداری آنها در زندگی روزمره‌شان و یا معرف بعد «پی‌آمدی» دینداری‌شان دانست.

ه- در ارتباط با بعد فکری اسلام، آشنایی با باورهای اصلی و قبول آنها با شناخت و آگاهی کامل و نه بر اساس تقلید ناآگاهانه، بر هر مسلمانی واجب است. همچنین بر آنها فرض است که روش‌های صحیح عبادات را بدانند و به‌طور اکید توصیه شده است تا با تاریخ اسلام آشنا باشند و قادر به خواندن قرآن باشند. میزان آگاهی مسلمانان از این موضوع‌ها را ممکن است به‌عنوان معرف بعد فکری دینداری آنان در نظر گرفت. با این وجود، با توجه به این واقعیت که آموزش دینی در بیشتر کشورهای اسلامی (از جمله ایران) بخشی از آموزش اجباری در نظام آموزش و پرورش است، این بعد نمی‌تواند معرف معتبری برای دینداری باشد. به‌علاوه، بعضی از پژوهشگران گزارش کرده‌اند که این بعد حتی در جوامع غربی هم معرف معتبری برای سنجش دینداری نبوده است (سراج زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶). در این پژوهش از این بعد دینداری استفاده نشده است. مدل تحلیلی دینداری و ابعاد آن بر اساس نظریه‌ی استارک و گلاک در شکل شماره‌ی ۱ نمایش داده شده است.

شکل شماره ۱: مدل تحلیلی دینداری و ابعاد آن بر اساس پیشنهاد نگارنده



مجموع نظریه‌هایی که در مباحث نظری راجع به «جهت‌گیری دینی» ارائه شد، نشان داد اندیشمندان اجتماعی معتقد بودند جوامع بشری در طی فرایند تاریخی خود در مسیر ترقی و تکامل حرکت نموده و به تناسب آن عناصر تشکیل دهنده‌ی جامعه چون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر، دین و ... نیز دستخوش تغییر و تحول شده‌اند. در این مسیر تکامل، جوامع از آن ساختار ساده و یک‌دست و غیر نهادی به یک ساختار تمایز یافته و پیچیده و نهادمند انتقال یافت. این انتقال و دگرگونی ساختی و در عین حال تدریجی، آثار و تبعات عدیده‌ای را در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی باقی گذاشت و مهم‌ترین تأثیرش بر جایگاه دین بود. دین از آن جایگاه بلامنازع خویش که موقعیت و اعتبار تعیین‌کننده، مسئولیت و کارکردهای سنگینی که در عرصه‌های گوناگون به عهده داشت، تنزل پیدا کرد. مرجعیت دینی، سهم آموزه‌ها و ارزش‌های دینی در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی جامعه و اثر احکام و ملاحظات دینی در قوانین اساسی، قوانین موضوعه و مقررات جاری کاهش می‌یابد. علاوه بر اینها، موقعیت و منزلت اجتماعی روحانیون به‌عنوان متولیان نهاد دینی رو به افول می‌گراید. همچنین، به موازات تغییراتی که در سطح دین رخ داد، اندیشه‌ها، عواطف، تمایلات و رفتار افراد از تعلق و وابستگی و پایبندی به ماورای طبیعی رها می‌گردد و تأثیر عناصر و عوامل مافوق بشری و

فردانیایی بر جهت‌گیری، انتخاب و شیوه‌ی عمل او کاهش می‌یابد (شجاعی زند، ۱۳۸۰، ص ۲۴۸-۲۳۲). و در کل اعتقادات و باورداشتهای افراد تحولاتی چون رهایی از انحصارطلبی و حرکت به سوی تکثرگرایی، عقلانیت، افسون زدایی، کاهش تقدیرگرایی، کاهش اعمال مناسکی، بی‌توجهی به اثر احکام و ملاحظظات دینی در تدوین قوانین اساسی و موضوعه و مقررات جاریه، افول موقعیت و منزلت اجتماعی متولیان نهاد دینی رخ می‌دهد.

نظریه‌هایی که در بخش «جهت‌گیری دینی» ارایه شد، به تنهایی اعتبار و جامعیت لازم برای انتخاب آنان به عنوان چارچوب نظری مسأله‌ی پژوهش را دارا نیستند. چرا که نظریه‌های مذکور نه تنها بر اساس ویژگی‌ها و ارزش‌های حاکم بر نظام اجتماعی ایران تبیین نشده‌اند، بلکه عمدتاً مبتنی بر فرهنگ و آموزه‌های مسیحیت و غرب هستند. اما، از مجموع نظریه‌های ارایه شده می‌توان شاخص‌های کلی را استخراج کرد تا به واسطه‌ی آنها جهت‌گیری دینی دانشجویان را ارزیابی نمود.

در این پژوهش انحصارگرایی^۱، مناسک‌گرایی^۲، تقدیرگرایی^۳ و تسری‌گرایی^۴ دینی شاخص‌هایی هستند که برای سنجش جهت‌گیری دینی دانشجویان در نظر گرفته شده است. علامه محمد تقی جعفری می‌گوید: «همه ادیانی که روی زمین ظهور کرده‌اند، بدون تردید اصول و مبانی خود را جاودانی می‌دانند. این یکی از مختصات عمومی دین است که خود را مستند به واقعیات ثابت و همیشگی می‌داند و همه‌ی متدینان خود را معتقد به آن اصول و مبانی می‌دانند» (ویلیم، گواهی، ۱۳۷۷، ص ۹۷-۹۶). لذا در واقع انحصارگرایی، نگرش گریزناپذیر هر فرد پرورش‌یافته در درون یک سنت (دین) خاص است که حدود و مرزهای آن سنت (دین) همان حدود و مرزهای فکری او است (همتی، ۱۳۵۷، ص ۵۰).

در مناسک‌گرایی پایبندی فرد به مناسک دینی و انجام اعمال معینی چون عبادات، شرکت در آیین‌های مذهبی و عزاداری‌ها و ... مد نظر می‌باشد که انتظار می‌رود پیرامون هر دینی آنها را انجام دهند. منظور از تقدیرگرایی «پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنها، منبعث از اندیشه‌ای که آنان را خارج از حیطه‌ی تسلط انسان می‌داند» می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۳).

در تسری‌گرایی باور اعتقاد فرد به اینکه اسلام به‌عنوان دینی توحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... دخالت و نظارت دارد مطرح نظر است. در نخبه‌گرایی دینی، اعتقاد و باور فرد به برتر بودن علمای دین و پذیرش بی‌چون و چرای نظریه‌های ایشان و اینکه علمای دین نماد و سمبل حاملان اجتهاد دینی هستند، منظور می‌باشد.

1- Exclusivism
3- Predestinationism

2- Ritualism
4- Inclusionism

در پژوهش حاضر به ذکر نظریه‌های دورکیم و مارکس می‌پردازیم و از طبقه‌بندی آنها استفاده خواهیم نمود. در مجموع دین در ایجاد همبستگی اجتماعی و ثبات اجتماعی و پایداری جامعه مؤثر است.

دورکیم دین را سبب تسلی بخشی و حمایت و امنیت عاطفی در فرد می‌داند که این خود ایجاد اعتماد و اطمینان و سازگاری فرد با گروه را سبب می‌گردد و در نهایت عامل ثبات جامعه و ایجاد همبستگی و پایداری جامعه می‌شود. در حالیکه مارکس دین را از زاویه‌ی دیگری مورد بررسی قرار می‌دهد. او هم مانند دورکیم معتقد است که دین تسلی رنج دیدگان و ستمدیدگان را موجب می‌شود، ولی این تسکین انسان را از راه حل واقعی باز می‌دارد و در نتیجه تسلیم‌پذیری را در برابر ناملازمات ایجاد می‌کند و این هم به ضرر فرد است و هم جامعه، بنابراین دین را افیون ملت‌ها می‌داند.

فرضیه‌های پژوهش

- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) در دانشجویان، کارمندان و اساتید تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین تعامل جنس و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین تعامل سن و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین تعامل وضعیت تأهل و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) با عضویت افراد در نهادها و انجمن‌های اسلامی تفاوت وجود دارد.
- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) با استفاده افراد از ماهواره تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسائل اجتماعی، مسائل دینی و مذهبی) با رفتن افراد به کمیته‌ی انضباطی و داشتن مشکلات انضباطی تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر شامل دو بخش است، بخش اول براساس پژوهش اسنادی گردآوری، تنظیم و تدوین شده و هدف از آن کسب اطلاعات و آگاهی در زمینه‌ی موضوع پژوهش و الهام از این آگاهی برای تدوین پرسش‌های پرسش‌نامه و نیز ساخت چارچوب پژوهش می‌باشد. بنابراین، با مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقاله‌ها و پژوهش‌های پیشین در حوزه‌ی موضوع، سعی شده است ابعاد گوناگون موضوع بهتر مشاهده شود و هدف‌های پژوهش خالص‌تر و رساتر گردد، زیرا پژوهش‌های اسنادی ضمن جلوگیری از دوباره‌کاری و تکرار مطالب ما را با نظریه‌های اندیشمندان و اهل فن آشنا ساخته و رهنمودهای لازم را در پایه‌ریزی چارچوب نظری محکم و متقن ارائه می‌دهد.

بخش دوم نیز آرایه‌ی پژوهش پیمایشی در باب موضوع است و در آن از فن پرسش‌نامه استفاده شده است که بدان‌وسیله هم مسأله‌ی پژوهش مورد توصیف قرار گرفته و هم فرضیه‌های طراحی شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

روش تحقیق حاضر پیمایشی و جامعه‌ی آماری آن کلیه‌ی دانشجویان، کارکنان و استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و تعداد افراد نمونه ۸۰۰ نفر به شیوه‌ی تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای به علت دسترسی نداشتن به فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه انتخاب شد. پوشش کامل تمام دانشکده‌های دانشگاه و بخش‌های مختلف کارکنان برای انتخاب نمونه به دلیل محدودیت‌های مالی، زمانی و نیروی انسانی و پراکندگی دانشکده‌ها امکان‌پذیر نبود لذا برای تعیین واحدهای نمونه به صورت تصادفی از دانشجویان و استادان سه دانشکده‌ی علوم پایه، دانشکده‌ی فنی، علوم انسانی و علوم پایه انتخاب شدند؛ همچنین، در بخش‌های دانشگاه کارکنان بخش مالی، پژوهشی و آموزشی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

در دومین مرحله در سطح دانشکده‌های تعیین شده برای نمونه‌گیری متناسب با رشته‌های تحصیلی فهرست کاملی از جمعیت آماری تهیه گردید، سپس از هر رشته‌ی تحصیلی به روش تصادفی افراد برای گزینش اعضای نمونه انتخاب شدند. در سومین مرحله در کلاس‌های تعیین شده و بخش‌های اداری مربوط ابزار سنجش (پرسش‌نامه) به صورت حضوری بین اعضای نمونه توزیع و پس از تکمیل جمع‌آوری گردید. ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه‌ی پژوهشگر ساخته‌ی نگرش‌سنجی دینی است که نمره‌گذاری آن به شیوه‌ی لیکرت است و میزان اعتبار پرسش‌نامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای استادان ۰/۸۳، برای دانشجویان ۰/۸۶ و برای کارکنان ۰/۸۸ به دست آمد.

در پژوهش حاضر متغیر وضعیت دینی و مذهبی، گرایش‌های سیاسی و وضعیت اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های وضعیت فرهنگی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و با توجه به ماهیت و روش پژوهش، ابتدا داده‌ها مورد بازبینی و کنترل قرار گرفتند و سپس با نرم‌افزار آماری SPSS مورد سنجش قرار گرفتند و با توجه به نوع فرضیه‌ها، از روش‌های آمار استنباطی رگرسیون ساده، t گروه‌های مستقل و تحلیل واریانس یک‌سویه، برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) در دانشجویان، کارمندان و استادان تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۱: ارتباط بین وضعیت فرهنگی با مشارکت سیاسی، اجتماعی و دینی و مذهبی

	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	کمترین	بیشترین	
دانشجو	۶۸۲	۱۰/۹۹۷۱	۷/۹۳۳۸۳	۰/۳۰۳۸۰	۰	۳۵	
مشارکت	کارمند	۹۸	۱۹/۰۴۰۸	۸/۰۹۲۱۵	۰/۸۱۷۴۳	۲	۳۲
سیاسی	استاد	۹۱	۲۰/۶۳۷۴	۷/۲۶۷۱۵	۰/۷۶۱۸۰	۱	۳۵
مجموع	۸۷۱	۱۲/۹۰۹۳	۸/۶۸۲۳۸	۰/۲۹۴۱۹	۰	۳۵	
دانشجو	۶۶۴	۲۸/۹۲۱۷	۶/۱۲۵۸۷	۰/۲۳۷۷۳	۱	۴۳	
مسایل	کارمند	۱۰۲	۳۲/۲۹۹۴۱	۵/۸۸۷۷۱	۰/۵۸۲۹۷	۱۸	۴۵
اجتماعی	استاد	۸۹	۳۴/۴۴۹۴	۵/۱۰۷۹۵	۰/۵۴۱۴۴	۲۱	۴۴
مجموع	۸۵۵	۲۹/۸۹۹۴	۶/۲۸۵۴۹	۰/۲۱۴۹۶	۱	۴۵	
دانشجو	۶۳۰	۱۵۰/۲۲۸۶	۳۵/۰۱۲۳۱	۱/۳۹۴۹۲	۲۹	۲۲۸	
مسایل	کارمند	۹۸	۱۷۶/۳۸۷۸	۲۷/۹۹۰۲۹	۲/۸۲۷۴۵	۱۰۶	۲۲۶
دینی و	استاد	۸۰	۱۷۶/۹۰۰۰	۳۸/۸۸۸۵۵	۴/۳۴۷۸۷	۹۱	۲۴۱
مذهبی	مجموع	۸۰۸	۱۵۶/۰۴۲۱	۳۶/۲۹۶۹۷	۱/۲۷۶۹۲	۲۹	۲۴۱
دانشجو	۶۲۰	۱۹۰/۲۹۰۳	۴۲/۳۵۴۳۰	۱/۷۰۰۹۹	۵۲	۲۹۵	
وضعیت	کارمند	۹۴	۲۲۸/۱۲۷۷	۳۵/۵۰۸۳۶	۳/۶۶۲۴۱	۱۳۶	۲۹۱
فرهنگی	استاد	۷۸	۲۳۰/۵۰۰۰	۴۵/۶۲۴۳۱	۵/۱۶۵۹۴	۱۳۵	۳۰۲
مجموع	۷۹۲	۱۹۸/۷۴۱۲	۴۴/۸۶۳۶۴	۱/۵۹۴۱۶	۵۲	۳۰۲	

جدول شماره ۲: آزمون فرضیه‌ی تحلیل واریانس یک طرفه وضعیت فرهنگی به تفکیک گروه‌ها

سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	
۰/۰۰۰	۹۳/۳۸۴	۵۸۰۶/۴۸۵	۲	بین گروهی	۱۱۶۱۲/۹۷
				درون گروهی	۵۳۹۷۰/۸۶
				مجموع	۶۵۵۸۳/۸۳
۰/۰۰۰	۴۲/۵۲۴	۱۵۳۱/۱۱۲	۲	بین گروهی	۳۰۶۲/۲۲۳
				درون گروهی	۳۰۶۷۷/۱۳
				مجموع	۳۳۷۳۹/۳۵
۰/۰۰۰	۴۰/۲۵۴	۴۸۳۳۱/۵۰۹	۲	بین گروهی	۹۶۶۶۳/۰۲
				درون گروهی	۹۶۶۵۳۵/۶
				مجموع	۱۰۶۳۱۹۹
۰/۰۰۰	۵۸/۰۱۹	۱۰۲۰۶۳/۱۱۴	۲	بین گروهی	۲۰۴۱۲۶/۲
				درون گروهی	۱۳۸۷۹۵۶
				مجموع	۱۵۹۲۰۸۲

نتایج آزمون نشان داد بین مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی و به‌طور کلی وضعیت فرهنگی افراد در گروه دانشجویان، کارمندان و استادان رابطه‌ی معنادار وجود دارد و F به‌دست آمده از تحلیل واریانس در سطح آلفای ۰/۰۱ درصد معنادار است. سپس، برای تمیز این تفاوت‌ها از پس‌آزمون توکی استفاده شد و پس‌آزمون توکی نشان داد استادان بیشترین مشارکت سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی را دارند، کارمندان در رتبه‌ی بعد قرار دارند که از نظر وضعیت فرهنگی حد فاصل استادان و دانشجویان می‌باشند. دانشجویان کمترین مشارکت سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی و در نتیجه پایین‌ترین وضعیت فرهنگی را دارند. همچنین، بین مشارکت سیاسی و دینی و مذهبی استادان و کارمندان تفاوت معناداری وجود ندارد و هر دو گروه از وضعیت فرهنگی یکسانی برخوردارند.

نتایج این فرضیه را می‌توان چنین استنباط کرد که هر چقدر علم و آگاهی دانشگاهیان بیشتر رشد می‌کند، علاقه آنها به تعیین سرنوشت خود افزایش می‌یابد و فرهنگ دانشگاهی آنها بالاتر می‌رود. به همین علت است که وضعیت فرهنگی استادان نسبت به کارمندان و دانشجویان بالاتر است. اما تفاوت موجود بین استادان و کارمندان معنادار نیست، زیرا به کمک امکانات مهیا شده در دانشگاه آزاد اسلامی و سایر دانشگاه‌های کشور بخش اعظم کارمندان به ادامه‌ی تحصیل در سطوح عالی پرداخته و رشد علمی مناسبی داشته‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین حکمت‌های دعوت قرآن و روایات به آموختن علم و آگاهی و اهمیت فراوان دادن به این مقوله در همین نهفته باشد که انسان‌ها به راحتی از کنار مسایل سیاسی، اجتماعی و دینی اطراف

خود نگذشته و به خویشتن خویش و دنیای اطراف اهمیت داده و در پی شناخت و رفع مشکلات باشند و نه عبور از آنها بدون کمترین اعتنا. اما دانشجویان کمترین مشارکت و پایین‌ترین فرهنگ دانشگاهی را دارند. چه بسا یکی از علت‌ها را می‌توان سن ایشان دانست، زیرا در میان اقشار غیر دانشگاهی نیز افراد میانسال و سالخورده باورهای دینی و مذهبی و مشارکت‌های اجتماعی وسیع‌تری نسبت به جوانان دارند. از سوی دیگر، غالب دانشجویان تمام یا بخشی از هزینه‌های تحصیل را خود تأمین می‌کنند و این مسأله در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی باورهای دینی و مذهبی ایشان تأثیر کاهشی گذاشته و احساس نارضایتی از فضای سیاسی، آنها را به محدود کردن مشارکت‌های خویش سوق می‌دهد. در منابع دینی نیز فقر عاملی برای نارضایتی عمومی و سستی باورها مذهبی و اعتقادی معرفی شده است، آنجا که آمده: «نزدیک است فقر، ایمان مردم را به کفر تبدیل کند».

- بین تعامل جنس و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۳: آزمون فرضیه‌ی تحلیل واریانس یک‌سویه وضعیت فرهنگی به تفکیک جنسیت

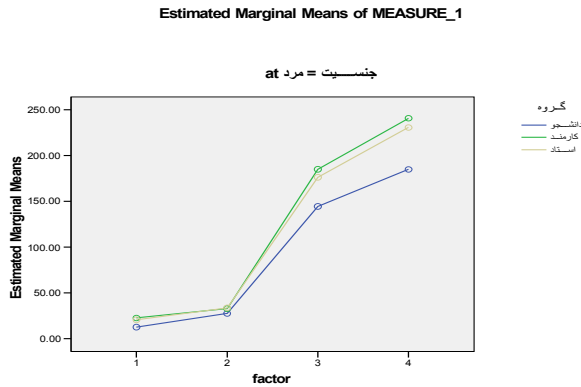
	سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه‌ی آزادی
	۰/۰۰۰	۹۰۳۴/۲۶۳	۱۵۵۴۵۵۷۹/۲	۱
گروه	۰/۰۰۰	۵۲/۴۸۴	۹۰۳۱۱/۲۰۴	۲
جنسیت	۰/۰۵۰	۳/۸۶۵	۶۶۵۰/۸۷۱	۱
گروه/جنسیت	۰/۰۰۰	۱۰/۰۶۵	۱۷۳۱۸/۴۱۶	۲
خطا			۱۷۲۰/۷۳۶	۷۸۶

نتایج آزمون نشان داد بین میزان مشارکت دوجنس در فعالیت‌های سیاسی، مسایل اجتماعی و مسایل دینی و مذهبی در گروه‌های کارمندان، دانشجویان و استادان تفاوت موجود معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. همچنین، تعامل گروه‌ها با میزان مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و دینی معنادار است، اما تعامل میزان مشارکت افراد و وضعیت فرهنگی آنها با توجه به جنس به تنهایی معنادار نیست. به بیانی دیگر استادان دارای بیشترین مشارکت سیاسی هستند و وضعیت فرهنگی ایشان نسبت به گروه‌های دیگر بالاتر است. کارمندان نیز نسبت به دانشجویان دارای مشارکت سیاسی، اجتماعی و مذهبی بالاتری هستند و از نظر وضعیت فرهنگی نیز در سطحی بالاتر قرار دارند.

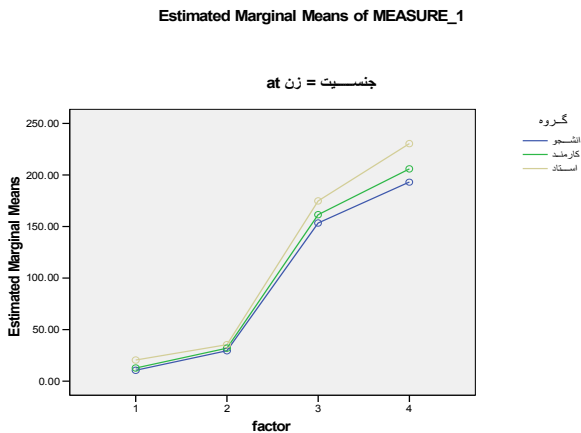
در میان استادان، مشارکت سیاسی و مذهبی در مردان و مشارکت اجتماعی در زنان درصد بالاتری دارد. در بین کارمندان، مردها نسبت به زنها وضعیت فرهنگی بالاتری دارند. در بین

دانشجویان، پسرها بیشتر مشارکت سیاسی دارند و مشارکت اجتماعی و دینی و مذهبی دخترها بیشتر است، اما وضعیت فرهنگی زن‌های دانشجو نسبت به مردها بهتر است.

نمودار شماره ۱: مشارکت سیاسی مردان به تفکیک گروه‌ها



نمودار شماره ۲: مشارکت سیاسی زنان به تفکیک گروه‌ها



چنانکه نتایج فوق نشان می‌دهد در هر سه گروه استادان، کارمندان و دانشجویان، مردان مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به زنان دارند. شاید بتوان علت را در آن دانست که اولاً زنان نسبت به مردان حضور کمتری در اجتماع دارند و چه بسا مشارکت‌های دانشگاهی زنان اولین تجربه‌ی جدی ایشان در عرصه‌ی مسایل سیاسی باشد. از سوی دیگر، محدودیت‌های ارتباطی

مردان و زنان و شرایط ویژه‌ی حضور زنان در اجتماع و ارتباط وثیق آن با فرهنگ اسلامی و ایرانی خود از عوامل محدودیت مشارکت سیاسی زنان است. عامل دیگر آن است که ارگان‌های دانشگاهی نیز ساز و کار لازم برای مشارکت‌های لازم زنان چه به صورت مشترک با مردان و یا مشارکت مختص زنان را پیش‌بینی نکرده‌اند، به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی که مشارکت‌های سیاسی دانشگاهی آن نسبت به دانشگاه‌های سراسری درصد کمتری دارند.

اما، درمیان سه گروه فوق، مشارکت سیاسی استادان زن نسبت به مردان تفاوت چندانی ندارد، این خود مؤید گفته‌های فوق است، زیرا استادان زن به علت حضور بیشتر در عرصه‌ی اجتماع و داشتن تجربه‌ی فعالیت در فضاها و محیط‌های دانشگاهی نسبت به سایر گروه‌ها مشارکت سیاسی بیشتری دارند و تفاوت آنان با مردان معنادار نیست.

اما، در هر سه گروه مشارکت اجتماعی زنان بیشتر بوده است. یکی از علل، آن است که دانشگاه بهترین مکان مشارکت زنان در مسایل اجتماعی است. این مشارکت در دختران دانشجو نسبت بیشتری دارد. چون مشارکت ایشان در دوره‌های قبل از دانشگاه نسبت به این دوره محدودتر بوده است، اما دانشگاه زمینه‌های مشارکت بیشتر و بهتر آنان را مهیا می‌کند. مهم‌تر آنکه خانواده‌ها حضور زنان در مسایل اجتماعی در دانشگاه را به‌عنوان یک هنجار مثبت پذیرفته و با وسعت نظر بیشتری به آن می‌نگرند. از سوی دیگر، مسئولان دانشگاه‌ها، به خصوص دانشگاه آزاد اسلامی، از فعالیت تشکلی‌های اجتماعی بیشتر حمایت می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که به‌طور کلی پسران و به‌ویژه در ممالک شرقی به جهت تربیت خاص، برای خود نقش قاطع‌تری در اداره‌ی امور خانواده قایل هستند و لذا احساس مسئولیت اجتماعی بیشتری می‌نمایند. این احساس بدون تردید بازتابی از رفتار و نحوه‌ی عمل پدر در خانواده است و مردان آن را از پدران خود به‌عنوان یک فرم تاریخی و اجتماعی به ارث برده‌اند و این رفتار را حتی به خارج از محیط خانواده نیز تعمیم می‌دهند. از این‌رو، مردان آمادگی بیشتری برای قاطعیت و تندروری در افکار و اعمال خود دارند و در ابراز عقاید آنان پیرامون مسایل ملی و بین‌المللی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشهود است.

از جمله پژوهش‌های هم‌سو با فرضیه‌ی حاضر می‌توان به کشاورز (۱۳۷۹) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانشجویان بر نگرش دینی آنها» اشاره کرد. نتایج پژوهش کشاورز نشان داد متأهلان نسبت به افراد مجرد نگرش دینی قوی‌تری دارند.

- بین تعامل سن و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد و نتایج نشان داد بین تعامل سنین مختلف با وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی در سنین مختلف میزان مشارکت و وضعیت فرهنگی متفاوت است.

جدول شماره ۴ : تفکیک خرده مقیاس‌های وضعیت فرهنگی

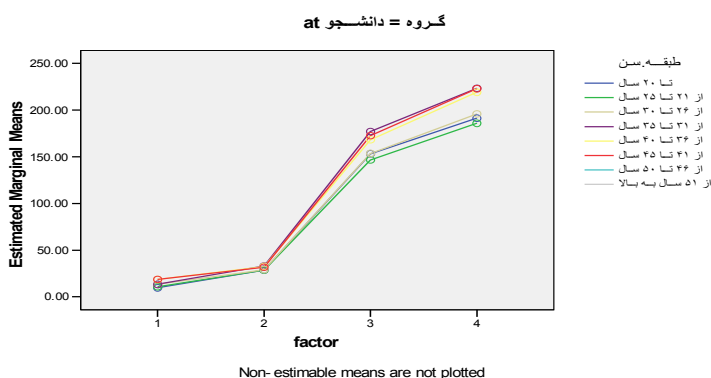
فاکتور	
۱	مشارکت سیاسی
۲	مسایل اجتماعی
۳	مسایل دینی، مذهبی
۴	وضعیت فرهنگی

جدول شماره ۵ : تعامل سن و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌ها آن

سطح معناداری	F	درجه‌ی آزادی		
۰/۰۰۰	۴۱۴۸/۰۲۰	۱	۴۱۵۹۲۶۱/۷۹	فاکتور
۰/۵۰۲	۰/۶۸۹	۲	۶۹۱/۲۹۸	گروه
۰/۰۰۰	۵/۰۳۱	۷	۵۰۴۴/۸۲۰	طبقه سن
۰/۵۷۰	۰/۱۸۵۰	۹	۸۵۲/۲۶۵	گروه طبقه سن
		۷۷۳	۱۰۰۲/۷۱۰	خطا

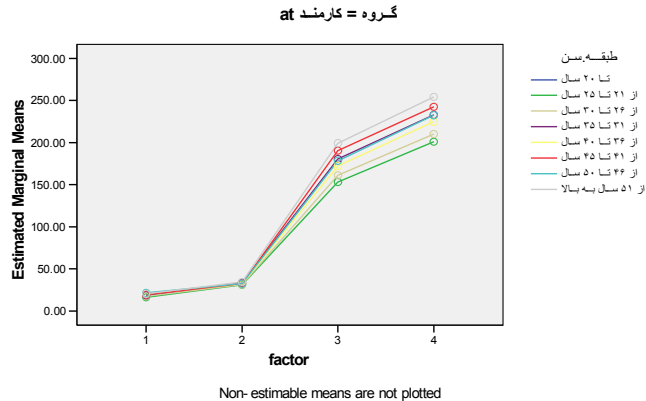
نمودار شماره ۳ : وضعیت فرهنگی دانشجویان به تفکیک سن

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



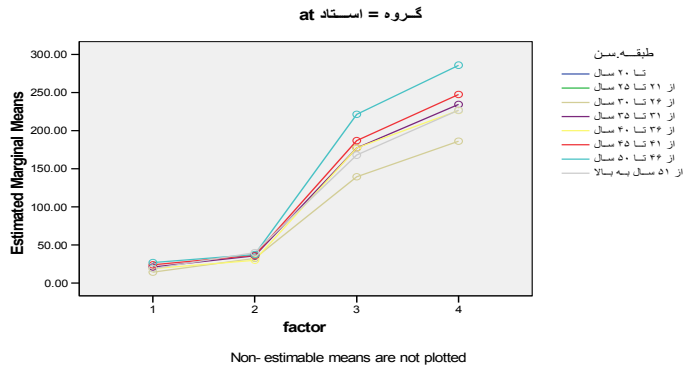
نمودار شماره‌ی ۴: وضعیت فرهنگی کارمندان به تفکیک سن

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



نمودار شماره‌ی ۵: وضعیت فرهنگی استادان به ترتیب سن

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



همانگونه که از نمودارهای فوق برمی آید، به این صورت که افراد زیر ۲۰ سال دارای کمترین مشارکت و وضعیت فرهنگی هستند و افرادی که سن آنها بین ۴۶-۵۰ سال است دارای بالاترین وضعیت فرهنگی و میزان مشارکت هستند. به عبارتی هر چه سن بالاتر می رود، وضعیت فرهنگی بالاتر می رود و اوج آن در سنین ۴۶ تا ۵۰ سال است. اما، بین تعامل گروه‌های مختلف

یعنی دانشجویان، کارمندان و استادان و سنین مختلف رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد. همچنین، بین گروه‌ها و وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن نیز رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد.

نتایج به دست آمده از این فرضیه را می‌توان با توجه به نظریه‌ی جامعه‌شناس معروف امیل دورکیم که بیشترین تأثیر را بر جامعه‌شناسی دین داشته است استنباط کرد؛ دورکیم معتقد است که تحولات اجتماعی موجب پیدایش تحول در معرفت دینی و شکل‌گیری باورهای دینی در جامعه می‌شود و از آنجا که جوامع روند تکاملی دارند و دین قایل به تطور بوده، در نتیجه می‌توان گفت باورهای دینی در سنین مختلف متفاوت است و هر چه زمان به جلوتر حرکت کند، افراد در زمینه‌ی مسایل دینی از بافت سنتی فاصله می‌گیرند و دین خود را با تعقل انتخاب می‌کنند و خرافات افزوده شده از اجتماع به دین را کنار می‌گذارند و با توجه به مقتضای زمان و جامعه حرکت می‌کنند. از سوی دیگر، جوانان جستجوگر و محقق بوده و به دنبال آن هستند که عقاید خود را از منابع صحیح و درست انتخاب کرده و به ثبات فکری برسند و با افزایش سن، سطح تحصیلات و آگاهی‌های افراد، به خصوص قشر دانشگاهی، رشد کرده و باورهای ایشان ثبات می‌یابد و چارچوب فکری خود را کامل می‌کنند، به همین علت است که جوانان پایبندی کمتری به اصول و عقاید دینی دارند، اما افزایش سن، انسان‌ها را به ثبات شخصیتی و فکری می‌رساند و موجب تحکیم عقاید و افکار ایشان می‌شود، در نتیجه وضعیت فرهنگی نیز رشد می‌کند.

- بین تعامل وضعیت تأهل و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و خرده‌مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد. در جدول‌های شماره‌ی ۶ عامل‌های درون‌گروهی و بین‌گروهی نشان داده شده است.

جدول شماره‌ی ۶: تفکیک خرده مقیاس‌های وضعیت فرهنگی

فاکتور	
۱	مشارکت سیاسی
۲	مسایل اجتماعی
۳	مسایل دینی، مذهبی
۴	وضعیت فرهنگی

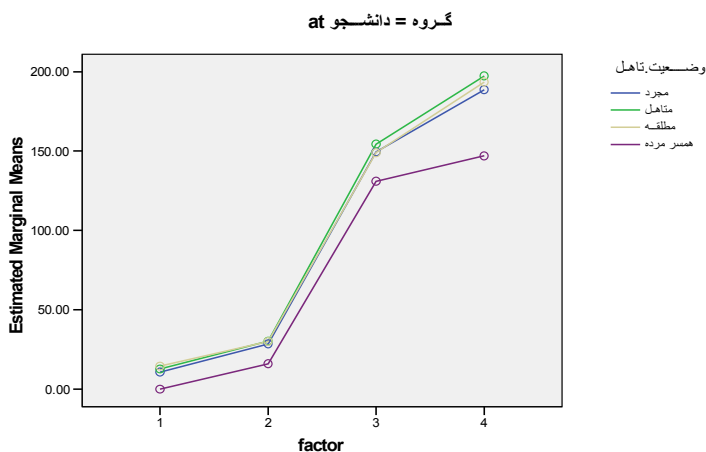
جدول شماره‌ی ۶: تعامل وضعیت تأهل و گروه‌ها در وضعیت فرهنگی و مشارکت‌های سیاسی،

اجتماعی و دینی و مذهبی				F	سطح معناداری
	درجه‌ی آزادی				
فاکتور	۹۰۱۱۵۹/۶۰۷	۳	۳۰۰۳۸۶/۵۳۶	۷۰۰/۸۱۳	۰/۰۰۰
گروه	۳۲۸۵/۷۵۱	۶	۵۴۷/۶۲۵	۱/۲۷۸	۰/۲۶۴
طبقه سن	۱۹۹۵۵/۰۳۱	۹	۲۲۱۷/۲۲۶	۵/۱۷۳	۰/۰۰۰
گروه وضعیت تأهل	۸۰۴۰/۶۰۲	۱۲	۶۷۰/۰۵۰	۱/۵۶۳	۰/۰۹۵
خطا	۱۰۰۵۵۵۵/۶۲	۲۳۴۶	۴۲۸/۶۲۶		

نتایج آزمون نشان داد بین متأهلان و مجردان در وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن از نظر آماری تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. به این صورت که افراد متأهل و سپس مطلقه دارای بالاترین میانگین و افرادی که همسر آن‌ها فوت شده و افراد مجرد دارای پایین‌ترین میانگین در وضعیت فرهنگی هستند. همچنین، بین تعامل گروه‌ها یعنی دانشجویان، کارمندان و استادان با وضعیت فرهنگی افراد تفاوت معناداری مشاهده نشد.

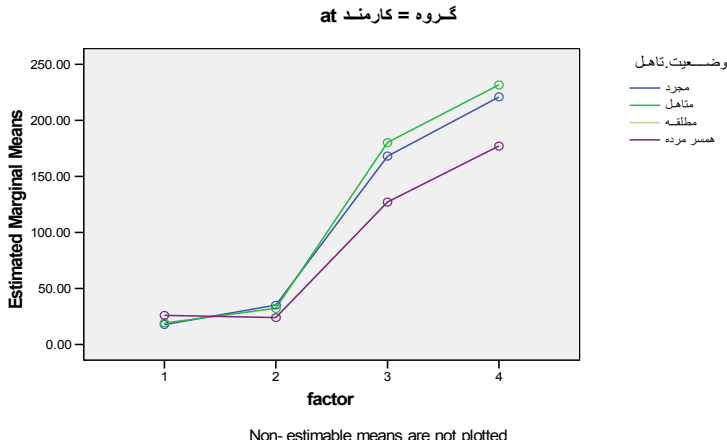
نمودار شماره‌ی ۶: وضعیت فرهنگی دانشجویان با توجه به نوع تأهل

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



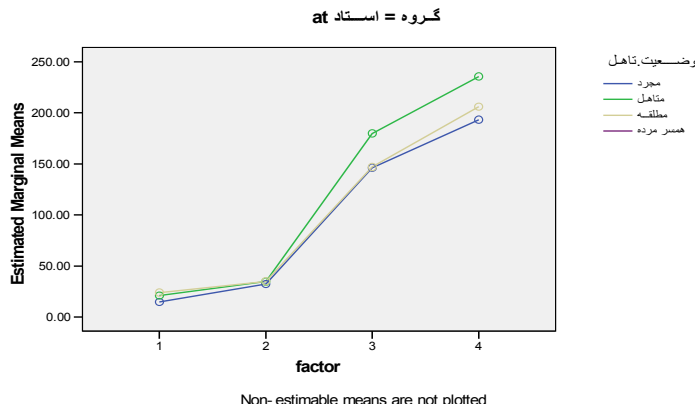
نمودار شماره ۷: وضعیت فرهنگی کارمندان با توجه به نوع تأهل

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



نمودار شماره ۸: وضعیت فرهنگی استادان با توجه به نوع تأهل

Estimated Marginal Means of MEASURE_1



بین تعامل گروه‌ها و وضعیت تأهل و وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد. اما، با توجه به اینکه افراد متأهل دارای بالاترین و افرادی که همسر آنها فوت شده دارای پایین‌ترین مشارکت اجتماعی هستند. با توجه به آیه « وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ

خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» روم (۳۰:۲۱) (یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید که در بر او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود و این امر برای مردم با فکرت ادله‌ی حق و آشکار است)، می‌توان چنین استنباط کرد که قرآن ازدواج را مایه‌ی آرامش و دوستی و رحمت معرفی کرده است، و این آرامش تأثیر مثبت خود را در زندگی اجتماعی نمایانگر می‌کند. پس، شرکت در مسایل اجتماعی، به خانواده، شخصیت و روان افراد بستگی دارد، به طوری که هر چقدر مشکلات و مسایل خانوادگی بیشتر باشد، از نظر شخصیتی و روانی، مشکلات و معضلات بیشتر خواهد شد، تمایل به تنهایی و درون‌گرایی نیز بیشتر می‌شود، در نتیجه افرادی که همسر خود را از دست داده و از نظر روحی ضربه دیده‌اند، تمایل کمتری به مشارکت اجتماعی نسبت به متأهلان دارند. اما، میزان مشارکت سیاسی زنان مطلقه نسبت به زنان متأهل بیشتر است، زیرا زنان ممالک اسلامی و به‌ویژه شرقی به واسطه‌ی پرورش خاص خانوادگی خود که خصیصه‌ی اصلی آن تبعیت است، در رفتار و اعمال خود از نرمش و انعطاف برخوردارند، از این‌رو در ابراز عقاید خود احتیاط و تأمل بیشتری دارند، و اما زنان مطلقه احساس آزادی بیشتری می‌کنند و عقاید سیاسی خود را بیشتر ابراز می‌کنند.

- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) با عضویت افراد در نهادها و انجمن‌های اسلامی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۷: ارتباط بین وضعیت فرهنگی و عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی

		تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	کمترین	بیشترین
مشارکت	عضو هیچ گروهی	۵۷۳	۱۰/۶۱۰۸	۷/۶۲۱۰۸	۰/۳۱۸۳۷	۰/۰۰	۳۵
	عضو فعال بسیج	۱۰۶	۲۱/۶۷۹۲	۷/۸۳۱۰۱	۰/۷۶۰۶۱	۴	۳۵
	عضو عادی بسیج	۱۰۲	۱۵/۳۹۲۲	۸/۴۹۲۴۶	۰/۸۴۰۸۸	۱	۳۳
	عضو انجمن فرهنگ اسلامی	۲۰	۱۹/۴۰۰۰	۶/۲۶۰۹۹	۱/۴۰۰۰۰	۸	۲۹
	سایر موارد	۷۰	۱۲/۹۷۱۴	۸/۷۱۶۰۹	۱/۰۴۱۷۷	۱	۳۵
	مجموع	۸۷۱	۱۲/۹۰۹۳	۸/۶۸۲۳۸	۰/۲۹۴۱۹	۰/۰۰	۳۵
مسایل اجتماعی	عضو هیچ گروهی	۵۵۹	۲۹/۳۵۲۴	۶/۱۲۲۶۴	۰/۲۵۸۹۶	۱۱	۴۳
	عضو فعال بسیج	۱۰۶	۳۲/۹۰۵۷	۵/۹۱۴۵۲	۰/۵۷۴۴۷	۱۱	۴۴
	عضو عادی بسیج	۱۰۲	۳۰/۳۱۳۷	۵/۲۵۹۵۶	۰/۵۲۰۷۷	۱۵	۴۵
	عضو انجمن فرهنگ اسلامی	۱۸	۳۰/۵۵۵۶	۶/۷۵۸۲۰	۱/۵۹۲۹۲	۱۶	۳۸
	سایر موارد	۷۰	۲۸/۹۴۲۹	۷/۹۵۲۵۵	۰/۹۵۰۵۱	۱	۴۳
	مجموع	۸۵۵	۲۹/۸۹۹۴	۶/۲۸۵۴۹	۰/۲۱۴۹۶	۱	۴۵

مسائل دینی و مذهبی	عضو هیچ گروهی	۵۲۰	۱۴۶/۶۶۱۵	۳۴/۷۸۰۴۱	۱/۵۲۵۲۲	۲۹	۲۲۸
	عضو فعال بسیج	۱۰۲	۱۸۹/۳۹۲۲	۲۲/۳۹۹۶۸	۲/۲۱۷۹۰	۱۳۵	۲۳۰
	عضو عادی بسیج	۱۰۰	۱۶۷/۳۸۰۰	۳۵/۰۲۳۱۶	۳/۵۰۲۳۲	۶۴	۲۴۱
	عضو انجمن فرهنگ اسلامی	۱۸	۱۶۹/۴۴۴۴	۲۶/۷۵۴۲۷	۶/۳۰۶۰۴	۱۲۷	۲۰۸
	سایر موارد	۶۸	۱۵۷/۵۲۹۴	۳۳/۶۰۲۸۰	۴/۰۷۴۹۴	۵۰	۲۲۹
	مجموع	۸۰	۱۵۶/۰۴۲۱	۳۶/۲۹۶۹۷	۱/۲۷۶۹۲	۲۹	۲۴۱
وضعیت فرهنگی	عضو هیچ گروهی	۵۰۸	۱۸۶/۶۵۱۶	۴۱/۶۷۷۹۵	۱/۸۴۹۱۶	۵۶	۲۹۵
	عضو فعال بسیج	۱۰۲	۲۴۳/۹۲۱۶	۳۰/۸۰۴۳۰	۳/۰۵۰۰۸	۱۵۸	۳۰۲
	عضو عادی بسیج	۹۶	۲۱۰/۶۲۵۰	۴۱/۱۸۶۴۲	۴/۲۰۳۵۷	۱۰۷	۲۹۵
	عضو انجمن فرهنگ اسلامی	۱۸	۲۱۸/۸۸۸۹	۳۱/۵۷۹۷۶	۷/۴۴۳۴۲	۱۷۷	۲۶۴
	سایر موارد	۶۸	۱۹۹/۱۷۶۵	۴۴/۷۴۱۰۳	۵/۴۲۵۶۵	۵۲	۲۸۷
	مجموع	۷۹۲	۱۹۸/۷۴۱۲	۴۴/۸۶۳۶۴	۱/۵۹۴۱۶	۵۲	۳۰۲

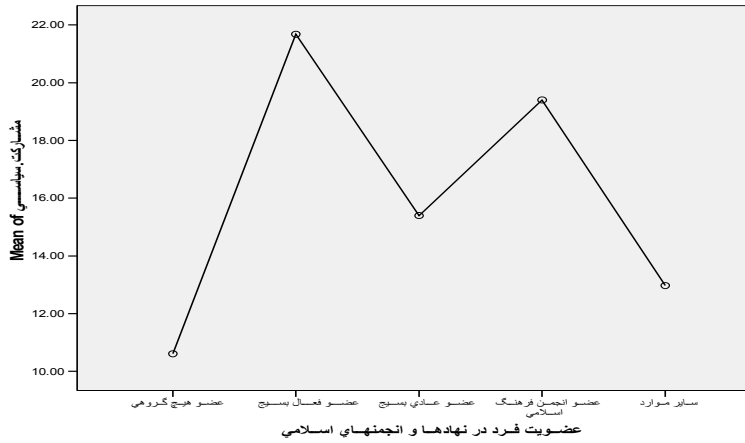
جدول شماره ۸: آزمون فرضیه‌ی تحلیل واریانس یک واحد وضعیت فرهنگی

به تفکیک عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی

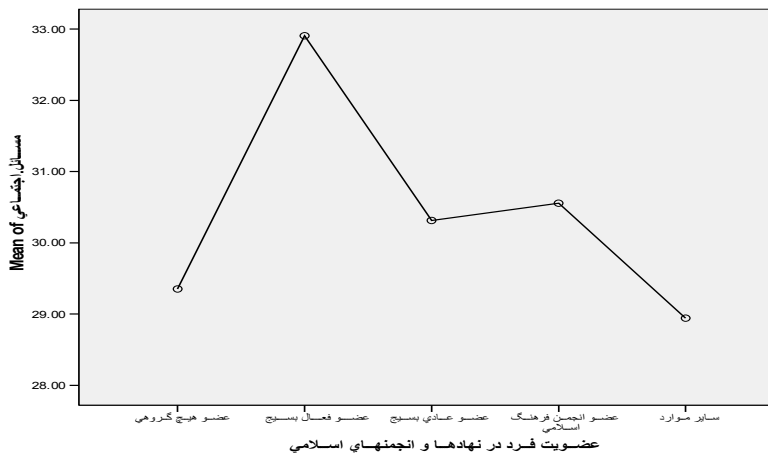
		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
مشارکت سیاسی	بین گروهی	۱۲۶۵۱/۴۷	۴	۳۱۶۲/۸۶۸	۵۱/۷۴۶	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۵۲۹۳۲/۳۶	۸۶۶	۶۱/۱۲۳		
	مجموع	۶۵۵۸۳/۸۳	۸۷۰			
مسائل اجتماعی	بین گروهی	۱۲۱۴/۵۴۲	۴	۳۰۳/۶۳۶	۷/۹۳۵	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۳۲۵۴۲/۸۱	۸۵۰	۳۸/۲۶۴		
	مجموع	۳۳۷۳۹/۳۵	۸۵۴			
مسائل دینی و مذهبی	بین گروهی	۱۷۵۴۴۲/۹	۴	۴۳۸۶۰/۷۲۰	۳۹/۶۷۳	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۸۸۷۷۵۵/۷	۸۰۳	۱۱۰۵/۵۴۹		
	مجموع	۱۰۶۳۱۹۹	۸۰۷			
وضعیت فرهنگی	بین گروهی	۳۰۳۳۳۵/۱	۴	۷۵۸۳۳/۷۶۹	۴۶/۳۰۹	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۱۲۸۸۱۷۴۷	۷۸۷	۱۶۳۷/۵۴۴		
	مجموع	۱۵۹۲۰۸۲	۷۹۱			

نتایج آزمون نشان داد بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن، با توجه به عضویت دانشگاهیان در نهادها و انجمن‌های اسلامی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و فرض صفر رد می‌شود.

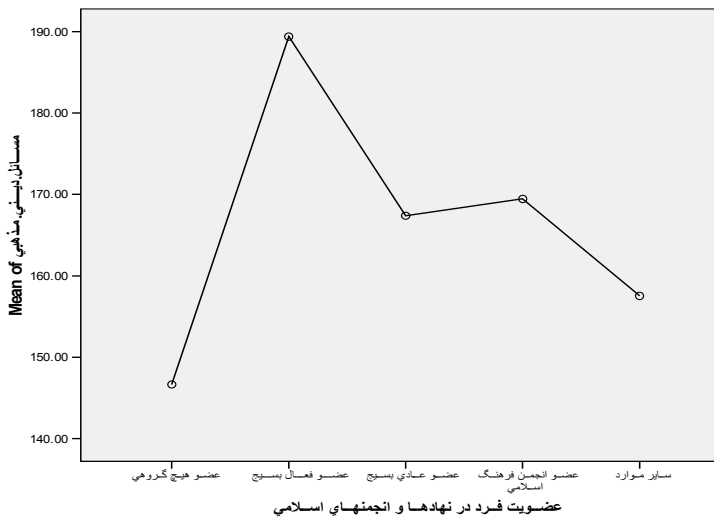
نمودار شماره‌ی ۹: مشارکت سیاسی گروه‌ها به تفکیک عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی



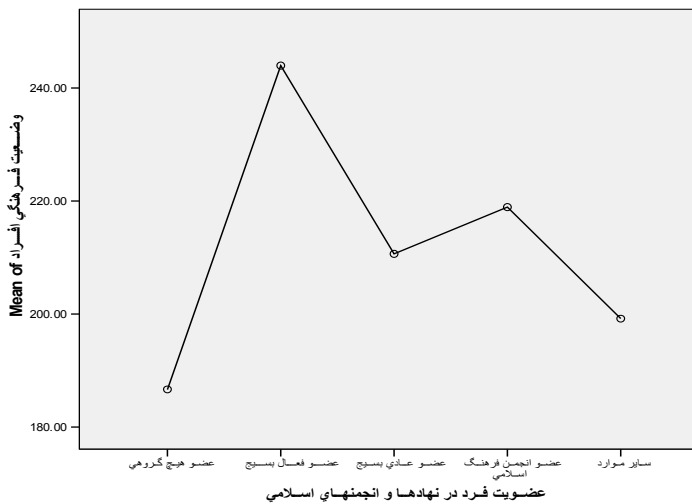
نمودار شماره‌ی ۱۰: مشارکت اجتماعی گروه‌ها به تفکیک عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی



نمودار شماره ۱۱: مشارکت مذهبی گروه‌ها به تفکیک عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی



نمودار شماره ۱۲: وضعیت فرهنگی گروه‌ها به تفکیک عضویت در نهادها و انجمن‌های اسلامی



طبق نمودارهای فوق، کسانی که عضو فعال بسیج هستند دارای بیشترین مشارکت سیاسی، اجتماعی، مذهبی و دینی می‌باشند و در نتیجه بالاترین وضعیت فرهنگی را دارند و افرادی که عضو هیچ گروهی نیستند، پایین‌ترین سطح مشارکت و پایین‌ترین وضعیت فرهنگی را دارند.

گروه‌های دیگر یعنی اعضای عادی بسیج و اعضای انجمن اسلامی نیز تا حدودی (در حد متوسط) در فعالیت‌ها مشارکت دارند و از نظر وضعیت فرهنگی نیز در حد متوسط قرار دارند. اما، گزینه‌ی عضو کانون‌های دانشجویی دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری تکمیل نشده، که این نشان از فعال نبودن این دفتر در دانشگاه و سطح دانشجویان است.

- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) با استفاده افراد از ماهواره تفاوت معنادار وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده شد.

جدول شماره ۹: ارتباط بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن با استفاده از ماهواره

خطای معیار	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	ماهواره
۰/۳۷۹۴۵	۸/۸۰۱۲۹	۱۴/۶۶۷۳	۵۳۸	ندارند
۰/۴۲۱۴۵	۷/۶۹۰۸۳	۱۰/۰۶۹۱	۳۳۳	دارند
۰/۲۶۶۴۱	۶/۱۰۹۹۸	۳۰/۹۰۴۹	۵۲۶	ندارند
۰/۳۴۳۸۴	۶/۲۳۶۶۹	۲۸/۲۹۱۸	۳۲۹	دارند
۱/۵۱۹۲۵	۳۳/۸۰۱۲۷	۱۶۶/۱۶۹۷	۴۹۵	ندارند
۱/۹۴۰۵۰	۳۴/۳۳۰۸۷	۱۴۰/۰۲۵۶	۳۱۳	دارند
۱/۹۰۵۳۶	۴۲/۰۴۷۸۹	۲۱۱/۴۴۱۵	۴۸۷	ندارند
۲/۳۸۸۲۶	۴۱/۷۰۹۲۰	۱۷۸/۴۶۲۳	۳۰۵	دارند

جدول شماره‌ی ۱۰: آزمون فرضیه t مستقل وضعیت فرهنگی به تفکیک گروه‌ها در استفاده از ماهواره

	f یکسانی واریانس‌ها		t مقایسه میانگین‌ها		تفاوت میانگین‌ها
	F	سطح معناداری	T	درجه آزادی	
مشارکت سیاسی	۱۷/۱۲۹	۰/۰۰۰	۸/۱۰۸	۷۷۳/۹۷۳	۴/۵۹۸۲۲
مسایل اجتماعی	۰/۷۸۸	۰/۳۷۵	۶۰۰۳۶	۸۵۳	۲/۶۱۳۱۵
مسایل دینی و مذهبی	۰/۲۴۲	۰/۶۲۳	۱۰/۶۴۶	۸۰۶	۲۶/۱۴۴۱۴
وضعیت فرهنگی	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۱۰/۷۹۴	۶۴۹/۵۴۲	۳۲/۹۷۹۱۸

نتایج آزمون نشان داد بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن، با استفاده‌ی افراد از ماهواره در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. یعنی مشارکت سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی و وضعیت فرهنگی افرادی که ماهواره ندارند نسبت به آنان که ماهواره دارند میانگین بالاتری دارد و از نظر وضعیت فرهنگی در سطح بالاتری می‌باشند. علت را می‌توان در آن دانست که اکثر شبکه‌های ماهواره‌ای با فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی

همسویی نداشته و اکثر شبکه‌های ماهواره‌ای به دنبال تخریب این فرهنگ و تمدن هستند تا انجام فعالیت‌های فرهنگی به منظور رشد فرهنگ مردم و افزودن به سطح آگاهی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افراد.

- بین وضعیت فرهنگی و خرده مقیاس‌های آن (مشارکت سیاسی، مسایل اجتماعی، مسایل دینی و مذهبی) با رفتن افراد به کمیته‌ی انضباطی و داشتن مشکلات انضباطی تفاوت وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول شماره ۱۱: ارتباط بین وضعیت فرهنگی با رفتن به کمیته انضباطی و داشتن مشکلات انضباطی

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	رفتن به کمیته انضباطی مشکلات انضباطی
۱/۲۷۷۸۷	۹/۹۸۰۴۵	۱۰/۶۰۶۶	۶۱	بلی
۰/۳۰۰۷۲	۸/۵۵۸۶۴	۱۳/۰۸۲۷	۸۱۰	خیر
۰/۸۳۱۱۰	۶/۴۹۱۱۰	۲۸/۶۳۹۳	۶۱	بلی
۰/۳۲۲۲۷	۶/۲۶۳۱۴	۲۹/۹۹۶۲	۷۹۴	خیر
۳/۷۲۶۹۳	۲۸/۶۲۷۰۷	۱۴۵/۳۵۵۹	۵۹	بلی
۱/۳۴۱۶۰	۳۶/۷۱۶۸۵	۱۵۶/۸۸۳۸	۷۹۴	خیر
۴/۸۳۷۶۶	۳۷/۱۵۸۷۶	۱۸۵/۰۵۰۸	۵۹	بلی
۱/۶۷۲۰۳	۴۵/۲۶۸۶۱	۱۹۹/۸۴۳۱	۷۳۳	خیر

جدول شماره ۱۲: آزمون t مستقل ارتباط وضعیت فرهنگی با رفتن به کمیته‌ی انضباطی و داشتن مشکلات انضباطی

تفاوت میانگین‌ها	t مقایسه میانگین‌ها		f یکسانی واریانس‌ها	
	سطح معناداری	درجه آزادی	T	سطح معناداری
-۲/۴۷۶۱۶	۰/۰۳۲	۸۶۹	-۲/۱۵۲	۰/۱۷۱
-۱/۳۵۶۸۸	۰/۱۰۴	۸۵۳	-۱/۶۲۶	۰/۵۶۷
-۱۱/۵۲۷۹۱	۰/۰۱۹	۸۰۶	-۲/۳۵۵	۰/۰۵۱
-۱۴/۷۹۲۲۶	۰/۰۱۵	۷۹۰	-۲/۴۴۴	۰/۱۶۵

نتایج آزمون نشان داد t مشاهده شده در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین میانگین نمرات مشارکت سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی و وضعیت فرهنگی در افرادی که به کمیته‌ی انضباطی رفته‌اند و دارای مشکلات انضباطی هستند

با افرادی که نرفته‌اند در سطح آلفای ۵ درصد تفاوت معناداری مشاهده می‌شود و فرض صفر رد می‌شود. به این صورت که افرادی که دارای مشکلات انضباطی نیستند، مشارکت سیاسی، اجتماعی و دینی و مذهبی بیشتری دارند و از وضعیت فرهنگی بالاتری برخوردارند.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد: افرادی که دارای مشکلات انضباطی نیستند مشارکت سیاسی، اجتماعی و دینی و مذهبی بیشتری دارند و از وضعیت فرهنگی بالاتری برخوردارند. شبکه‌های ماهواره‌ای با فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی همسویی نداشته و غالباً به دنبال تخریب این فرهنگ و تمدن هستند تا فعالیت‌های فرهنگی و افزودن به سطح آگاهی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افراد.

با توجه به اینکه افراد متأهل دارای بالاترین و افرادی که همسر آن‌ها فوت شده دارای پایین‌ترین مشارکت اجتماعی هستند می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شرکت در مسایل اجتماعی به خانواده، شخصیت و روان افراد بستگی دارد، به‌طوری که هر چقدر مشکلات و مسایل خانوادگی بیشتر باشد، از نظر شخصیتی و روانی مشکلات و مسایل بیشتر خواهد شد و تمایل به تنهایی و درون‌گرایی نیز بیشتر می‌شود.

همچنین بین تعامل گروه‌ها یعنی دانشجویان، کارمندان و استادان با وضعیت فرهنگی افراد تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج به‌دست آمده از این پژوهش را می‌توان تا حدی با توجه به نظریه‌ی جامعه‌شناس معروف امیل دورکیم که بیشترین تأثیر را بر جامعه‌شناسی دین داشته است استنباط کرد؛ دورکیم معتقد است که تحولات اجتماعی موجب پیدایش تحول در معرفت دینی و شکل‌گیری باورهای دینی در جامعه می‌شود و از آنجا که جوامع روند تکاملی دارند و دین قایل به تطور بوده در نتیجه می‌توان گفت باورهای دینی در سنین مختلف متفاوت است و هر چه زمان به جلوتر حرکت کند، افراد در زمینه‌ی مسایل دینی از بافت سنتی فاصله می‌گیرند و دین خود را با تعقل انتخاب می‌کنند و خرافات افزوده شده از اجتماع به دین را کنار می‌گذارند و با توجه به مقتضای زمان و جامعه حرکت می‌کنند. از سوی دیگر، جوانان جستجوگر و محقق بوده و به دنبال آن هستند که عقاید خود را از منابع صحیح و درست انتخاب کرده و به ثبات فکری برسند. اما با افزایش سن افکار افراد ثبات پیدا کرده و چارچوب فکری خود را کامل می‌کنند، چه بسا به همین علت باشد که جوانان پایبندی چندانی به اصول و عقاید دینی ندارند، اما افزایش سن ایشان را به ثبات شخصیتی و فکری سوق می‌دهد و عقاید خود را محکم می‌کنند.

چنان‌که نتایج پژوهش نشان می‌دهد در هر سه گروه استادان، کارمندان و دانشجویان، مردان مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به زنان دارند. شاید بتوان علت را در آن دانست که اولاً زنان نسبت به مردان حضور کمتری در اجتماع دارند و چه بسا مشارکت‌های دانشگاهی زنان اولین تجربه‌ی جدی آنان در عرصه‌ی مسایل سیاسی باشد. از سوی دیگر، محدودیت‌های ارتباطی مردان و زنان و شرایط ویژه‌ی حضور زنان در اجتماع و ارتباط وثیق آن با فرهنگ اسلامی و ایرانی خود از عوامل محدودیت مشارکت سیاسی زنان است. چه بسا عامل دیگری را بتوان در آن دانست که ارگان‌های دانشگاهی نیز ساز و کار لازم برای مشارکت‌های لازم را چه به‌صورت عادی و یا مشارکت مختص زنان را پیش‌بینی نکرده‌اند، به‌ویژه دانشگاه آزاد اسلامی که مشارکت‌های سیاسی دانشگاهی آن نسبت به دانشگاه‌های سراسری درصد کمتری دارند.

اما، در میان سه گروه فوق، مشارکت سیاسی استادان زن نسبت به مردان تفاوت چندانی ندارد. این خود مؤید گفته‌های فوق است، زیرا استادان زن به علت حضور بیشتر در عرصه‌ی اجتماع و داشتن تجربه‌ی فعالیت در فضاها و محیط‌های دانشگاهی نسبت به سایر گروه‌ها مشارکت بیشتری دارند و تفاوت آنان با مردان در مشارکت سیاسی معنادار نیست.

اما، در هر سه گروه مشارکت زنان بیشتر بوده است. یکی از علل آن است که دانشگاه بهترین مکان مشارکت زنان در مسایل اجتماعی است. این مشارکت در دختران دانشجو نسبت بیشتری دارد. چون مشارکت آنها در دوره‌های قبل از دانشگاه نسبت به این دوره محدودتر بوده است، اما دانشگاه زمینه‌های مشارکت بیشتر و بهتر آنان را مهیا می‌کند. مهم‌تر آنکه خانواده‌های آنها حضور زنان در مسایل اجتماعی در دانشگاه را به‌عنوان یک هنجار مثبت پذیرفته و با وسعت نظر بیشتری به آن می‌نگرند. از سوی دیگر، مسئولان دانشگاه‌ها به‌خصوص دانشگاه آزاد اسلامی از فعالیت تشکلهای اجتماعی بیشتر حمایت می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان این‌گونه استنباط کرد که به‌طور کلی پسران و به‌ویژه پسران ممالک شرق به جهت تربیت خاص شرقی برای خود نقش قاطع‌تری در اداره‌ی امور خانواده‌ای که در آینده تشکیل خواهند داد پیش‌بینی می‌کنند و لذا احساس مسئولیت اجتماعی بیشتری می‌نمایند. این احساس بدون تردید بازتابی از سلیقه‌ی تاریخی رفتار و نحوه‌ی عمل پدر در خانواده است و مردان آن را از پدران خود به‌عنوان یک هنجار تاریخی، اجتماعی به ارث برده‌اند و حتی به خارج از محیط خانواده نیز تعمیم می‌دهند. از این‌رو، مردان آمادگی بیشتری برای قاطعیت و تندروری در افکار و اعمال خود دارند که غالباً در عقاید آنان پیرامون مسایل ملی و بین‌المللی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشهود است.

از جمله پژوهش‌های هم‌سو با پژوهش حاضر می‌توان به کشاورز (۱۳۷۹) با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانشجویان بر نگرش دینی آن‌ها» اشاره کرد. نتایج پژوهش کشاورز نشان داد متأهلان نسبت به افراد مجرد نگرش دینی قوی‌تری دارند. استادان دارای بیشترین مشارکت سیاسی و وضعیت فرهنگی نسبت به گروه‌های دیگر بالاتر است. کارمندان نیز نسبت به دانشجویان دارای مشارکت سیاسی، اجتماعی و مذهبی بالاتری هستند و از نظر وضعیت فرهنگی نیز در سطحی بالاتر قرار دارند.

در میان استادان، مشارکت سیاسی و مذهبی در مردان و مشارکت اجتماعی در زنان درصد بالاتری دارد. در بین کارمندان، مردها نسبت به زنها وضعیت فرهنگی بالاتری دارند. در بین دانشجویان پسرها بیشتر مشارکت سیاسی دارند و مشارکت اجتماعی و دینی و مذهبی دخترها بیشتر است، اما وضعیت فرهنگی زن‌های دانشجو نسبت به مردها بهتر است.

نتایج این پژوهش را می‌توان چنین استنباط کرد که هر چقدر علم و آگاهی دانشگاهیان بیشتر رشد می‌کند، علاقه‌ی آن‌ها به تعیین سرنوشت خود افزایش می‌یابد و فرهنگ دانشگاهی ایشان بالاتر می‌رود. به همین علت است که وضعیت فرهنگی استادان نسبت به کارمندان و دانشجویان بالاتر است. اما تفاوت موجود بین استادان و کارمندان معنادار نیست، زیرا به کمک امکانات مهیا شده در دانشگاه آزاد اسلامی و سایر دانشگاه‌های کشور بخش اعظم کارمندان به ادامه‌ی تحصیل در سطوح عالی پرداخته و رشد علمی مناسبی داشته‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین حکمت‌های دعوت قرآن و روایات به آموختن علم و آگاهی و اهمیت فراوان دادن به این مقوله در همین نهفته باشد که انسان‌ها به راحتی از کنار مسایل سیاسی، اجتماعی و دینی اطراف خود نگذشته و به خویشتن خویش و دنیای اطراف اهمیت داده و در پی شناخت و رفع مشکلات باشند و نه عبور از آنها بدون کمترین اعتنا. اما، دانشجویان کمترین مشارکت و پایین‌ترین فرهنگ دانشگاهی را دارند. چه بسا یکی از علت‌ها را می‌توان سن ایشان دانست، زیرا در میان اقشار غیر دانشگاهی نیز افراد میانسال و سالخورده باورهای دینی و مذهبی و مشارکت‌های اجتماعی وسیع‌تری نسبت به جوانان دارند. از سوی دیگر، غالب دانشجویان تمام یا بخشی از هزینه‌های تحصیل را خود تأمین می‌کنند و این مسأله در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی باورهای دینی و مذهبی آنها تأثیر کاهشی گذاشته و احساس نارضایتی از فضای سیاسی، آنها را به محدود کردن مشارکت‌های خویش سوق می‌دهد. در منابع دینی نیز فقر عاملی برای نارضایتی عمومی و سستی باورهای مذهبی و عقیده‌ای معرفی شده است آنجا که آمده: «نزدیک است فقر، ایمان مردم را به کفر تبدیل کند».

راهکارها و راهبردها

پژوهش حاضر به بررسی نگرش دینی دانشگاهیان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن اعم از استادان، دانشجویان و کارمندان پرداخته و وضعیت فرهنگی آنها که شامل مشارکت سیاسی، اجتماعی، دینی و مذهبی است را به بحث گذاشته است. حال پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. از آنجا که وضعیت فرهنگی (سیاسی، اجتماعی و دینی) استادان نسبت به دانشجویان بالاتر است، پیشنهاد می‌شود طی جلسه‌ها یا ابلاغ‌هایی از استادان محترم که در هر رشته یا گروهی شاغل به تدریس هستند درخواست شود قسمتی از زمان کلاس خود، هرچند کوتاه را به آموزش مسایل فرهنگی دانشجویان اختصاص دهند.

۲. برای آگاهی بیشتر دانشجویان از مسایل سیاسی، دینی و اجتماعی در دانشگاه، اقداماتی همچون برگزاری همایش‌ها، توزیع بروشورهای آموزشی، استفاده از فضای بُرد ساختمان دانشکده‌ها برای آموزش و سایر اقدامات در هر گروه صورت گیرد.

۳. برای افزایش مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی دانشجویان و همچنین رعایت شئون اسلامی و موازین اخلاقی برای دانشجویان فعال امتیازات خاصی در نظر گرفته شود، مانند وام‌ها و تخفیف‌های دانشجویی و ... با این روش دانشجویان غیرفعال نیز ترغیب به فعالیت می‌شوند.

۴. از آنجا که با افزایش سن، وضعیت فرهنگی بالاتر می‌رود و افراد سنین پایین دارای پایین‌ترین وضعیت فرهنگی هستند، پیشنهاد می‌شود سیستم‌های آموزشی در دوره‌های قبل از دانشگاه همچون مدارس سما که در اختیار دانشگاه آزاد اسلامی است و محصلان آنها در سنین نوجوانی هستند و زمان شکل‌گیری هویت در این سنین است، ارزش‌ها و هنجارهای دینی، سیاسی و اجتماعی را با استفاده از برنامه‌های آموزشی و همچنین مشارکت فعال در تشکلهای مختلف دانش‌آموزی برای نوجوان نهادینه سازند.

۵. در بررسی وضعیت فرهنگی روشن شد که میزان مشارکت سیاسی زنان متأهل پایین اما مشارکت اجتماعی ایشان بالاست و زنان مطلقه عکس متأهلان می‌باشند. حال، پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی تخصصی مختص زنان آگاهی‌های سیاسی ایشان را بالا برده و رغبت بیشتری برای مشارکت‌های سیاسی ایشان ایجاد کرد.

۶. اصول و احکام دین مبین اسلام با دامنه‌ای وسیع‌تر تبلیغ و ترویج شود. اگر حقایق و معارف، احکام، ارزش‌ها و قوانین اسلامی به‌درستی به افراد عرضه شوند و احساس نیاز

- به دین در ایشان زنده گردد، موجب روی آوردن ایشان به تقویت مبانی دینی خواهد شد.
۷. برقراری ارتباط و تعامل مستمر نخبگان دینی با دانشجویان و برخورد اثباتی و استدلالی در پاسخ دادن به شبهات فکری ایشان؛ نخبگان دینی بایستی با زبان و افکار دانشجویان آشنا شوند و متناسب با آن با دانشگاهیان تعامل برقرار کنند.
 ۸. ضروری است ارگان‌های فرهنگی دانشگاه همچون نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه رودهن، دفتر فرهنگ اسلامی، معاونت فرهنگی و سایر مراکز نسبت به مسایل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی اهمیت بیشتری داده و با ارایه‌ی برنامه‌ها و طرح‌های مختلف دانشجویان را با فرهنگ مشارکت آشنا کنند.
 ۹. تشویق و حمایت دانشجویان به نوشتن و انتشار دادن نشریات دانشجویی با رویکردهای سیاسی، اجتماعی و دینی و مذهبی.
 ۱۰. برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی و علمی همچون بازدید از مراکز علمی و دانشگاهی با همراهی استادان متخصص و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در این اردوها.
 ۱۱. برگزاری مستمر مراسم مذهبی همچون نماز جماعت، قرائت قرآن در هنگام نماز، انجام سخنرانی‌های مذهبی با موضوعات متنوع و مختلف و تبیین عقلانی اصول و عقاید اسلامی به منظور آشنایی دانشجویان با این اصول، به خصوص در ماه‌های محرم و رمضان که شرکت در مراسم عزاداری و افطاری و شب قدر از شور و حال بیشتری برخوردار است و دانشجویان و استادان مشارکت فعالی در این مراسم دارند.
 ۱۲. برگزاری نشست‌های صمیمی در دانشگاه با حضور چهره‌های علمی، سیاسی، مذهبی، عرفانی و اجتماعی برای آشنایی دانشجویان و بهره گرفتن از تجربیات آنها.
 ۱۳. برگزاری برنامه‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی در خوابگاه‌های دانشجویی برای جلب مشارکت بیشتر دانشجویان ساکن در خوابگاه.
 ۱۴. تشکیل شوراهای دانشجویی برای تصمیم‌گیری در مسایل کلی و کلان دانشگاه و کمک مسئولان دانشگاه در این عرصه و تشویق دانشجویان به کاندید شدن و عضویت در این شوراها و یا رأی دادن به کاندیدها به منظور انس گرفتن دانشجویان به کارهای شورایی و مشارکتی.
 ۱۵. تشویق و حمایت مادی و معنوی مسئولان دانشگاه از نهادهایی همچون بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی برای گسترش حیطه‌ی فعالیت‌های خود و افزایش اعضا مخصوصاً ورودی‌های جدید.

۱۶. تأسیس تشکل‌های دانشجویی قومیتی ویژه همچون تشکل آذری‌ها، گیلکی‌ها و ... برای ترویج روحیات و آرمان‌های قومیتی که در نهایت منجر به افزایش مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی شود.
۱۷. تأسیس تشکل‌های مختص زنان، به ویژه با رویکردهای سیاسی برای تشویق بیشتر زنان به شرکت بیش از پیش در مشارکت‌های سیاسی و دینی و مذهبی.
۱۸. ترویج فرهنگ ازدواج در میان دانشجویان جوان و حتی اعطای تسهیلات ویژه‌ی مالی همچون وام‌های دانشجویی، تقسیط و یا تخفیف شهریه و یا برگزاری دوره‌های آموزشی همچون تشکیل دوره‌های آموزشی آداب و اخلاق ازدواج و زناشویی، و یا بررسی فقهی و حقوقی، حقوق خانواده و ازدواج و مهریه و سایر موارد.

منابع فارسی

- آزما، م. (۱۳۸۳). بررسی مسایل اجتماعی. تهران: مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دینی. تهران: سخن. چاپ دوم.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.
- سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتار دینی نوجوانان. نمایه پژوهش. سال دوم. شماره ۷ و ۸.
- ستوده، ه. ا. (۱۳۸۵). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام (از فارابی تا شریعتی). تهران: انتشارات ندای آریانا.
- شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۷۶). مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین. تهران: تبیان.
- شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۸۰). دین، جامعه و عرفی‌شدن. تهران: تبیان. چاپ اول.
- حسینی قائم مقامی، س. ع. (۱۳۷۹). کثرت و مشروعیت. تهران: انتشارات اسوه.
- صفار دستگردی، م. (۱۳۷۷). مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین. کتاب ماه علوم اجتماعی. شماره ۱۵.
- کشاورز، ا. (۱۳۷۹). بررسی جامعه‌شناختی میزان تأثیر پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانشجویان بر نگرش دینی آن‌ها. کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

- کمالی، اف. (۱۳۸۳). مسائل اجتماعی ایران (مجموعه مقالات). تهران: نشر آگه.
- کیوی، ر؛ لوک وان، ک. (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه‌ی: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی. ترجمه‌ی: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- ویلیم، ژ. پ. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی ادیان. ترجمه‌ی: عبدالرحیم گواهی. تهران: انتشارت تبیان.
- همتی، م. (۱۳۵۷). جامعه‌شناسی دین. تهران: نشر تبیان.

منابع انگلیسی

- Bangalore Kupuswamy. (1949). Elements of social psychology. New Delhi, Vikas publishing.
- Davis, Charles. (1994). Religion and the making of society. Cambridge, University press.
- Kelly. J & Dirk De Graaf. (1997). National context, Parental socialization, and religious belief: results from 15 Nations. American sociological review.
- M. Brewster Smith, Jeroms, S. Bruner, and Robertw. (1956). White opinions and personality. New York, John wiley and sons.
- Myers, scott. (1996). An Interactive model of religiosity in heritage: The importance of family context. American sociological review, vol, 61, No 5.
- Norman feather(1945). Values in edvaction and society. freepress, New York and London.